Journal of Research in Psychological Health

November 2021, Volume 15, Issue 3

Explaining the effect of Alexithymia on women's sexual dysfunction based on social exchange theory

Masomeh Tadris Tabrizi [1], Majid Saffarinia [2*], Mahnaz Aliakbari Dehkordi[3], Ahmad Alipour[4]

1.PHD student, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2.(Corresponding author): Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.
3.Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.
4. Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Citation: Tadris Tabrizi M, Saffarinia M, Aliakbari Dehkordi M, Alipour, A. Explaining the effect of Alexithymia on women's sexual dysfunction based on social exchange theory. **J**ournal of **R**esearch in **P**sychological **H**ealth. 2021; 15(3), 24-39. [Persian].

Key words:
Alexithymia, Social Exchange Styles, Sexual Function

Highlights

- Alexithymia with the mediation of benefit-seeking style had an indirect effect on sexual function.
- Alexithymia with the mediation of overinvestment style had an indirect effect on sexual function.

Abstract

Introduction: The aim of this research was to investigate the relationship of Alexithymia and female sexual function by mediating social exchange styles. the research method was a descriptive correlational. Method: The Statistical population was composed of all married women living in Tehran, of which 550 individuals participated in the study through online recall. The research tool included Toronto alexithymia scale, the Women's Sexual Function Scale and Social Exchange Styles Scale. Fitness of the proposed model was estimated through structural equation modeling (SEM) and using Lisrel software package. The mediating relationship in the proposed pattern were tested using the bootstrap procedure. Results: The results of structural equation modeling indicating fitness of model and showed that alexithymia with the mediation of benefit-seeking style and overinvestment style had an indirect effect on sexual function. According to the results, in order to improve sexual function should be considered in social exchange styles. Conclusion: The findings of the present study provide a useful framework for identifying the influential components in the field of social psychology in women's sexual function that should be considered in prevention and treatment programs.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

تبیین اثر ناگویی هیجانی بر اختلالات عملکرد جنسی زنان بر مبنای تئوری تبادل اجتماعی

معصومه تدریس تبریزی[۱]، مجید صفاری نیا [۲*]، مهناز علی اکبری دهکردی[۳]، احمد علی پور [۴]

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه پیام نور. تهران. ایران.
۲- گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور. تهران. ایران m.saffarinia@yahoo.com
۳- گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور. تهران. ایران.
۴- گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور. تهران. ایران.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول می باشد.

تاریخ دریافت
۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش
۱۴۰۱/۰۲/۲۱

واژگان کلیدی
ناگویی هیجانی، سبک‌های تبادل اجتماعی، عملکرد جنسی

یافته‌های اصلی

- ناگویی هیجانی با میانجیگری سبک منفعت طلبی بر عملکرد جنسی اثر غیرمستقیم دارد.
- ناگویی هیجانی با میانجیگری سبک سرمایه گذاری افراطی بر عملکرد جنسی اثر غیرمستقیم دارد.

چکیده

هدف: این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین ناگویی هیجانی و عملکرد جنسی زنان با میانجیگری سبک‌های تبادل اجتماعی صورت گرفت. روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهر تهران بود که از این میان ۵۵۰ نفر از طریق فراخوان اینترنتی در پژوهش شرکت کردند. در پژوهش حاضر از مقیاس ناگویی هیجانی، مقیاس عملکرد جنسی زنان و پرسشنامه سبک‌های تبادل اجتماعی به عنوان ابزار استفاده گردید. ارزیابی الگوی پیشنهادی از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) و با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام شد. روابط واسطه‌ای در الگوی پیشنهادی نیز با استفاده از روش بوت استرپ آزموده شدند. یافته‌ها: نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از برازش مدل بود و نشان داد، ناگویی هیجانی با میانجیگری سبک‌های منفعت طلبی و سرمایه گذاری افراطی رابطه ناگویی هیجانی و عملکرد جنسی را میانجیگری می‌کنند. با توجه به نتایج، جهت بهبود عملکرد جنسی باید به سبک‌های تبادل اجتماعی توجه کرد. نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر چهارچوب مفیدی را در شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در حوزه روانشناسی اجتماعی در عملکرد جنسی زنان فراهم می‌کند که در برنامه‌های پیشگیری و درمانی می‌بایست مدنظر قرار گیرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مقدمه

یکی از مسائل مهم در روابط همسران بخصوص در سال‌های اولیهٔ تشکیل زندگی مشترک، مسائل جنسی است. وجود رابطه جنسی مطلوب به نحوی که بتواند موجب تأمین رضایت طرفین شود، نقش بسیار مهم و اساسی در موفقیت و پایداری کانون خانواده دارد. از طرفی استحکام روابط زناشویی بدون داشتن روابط جنسی رضایت بخش به خطر می‌افتد (۱). محققین معتقدند که رضایت از رابطه زناشویی همواره در ارتباط با رضایت از رابطه جنسی است (۲). یکی از موفق ترین نظریه های عملکرد جنسی مربوط به روزن[1] و همکاران (۲۰۰۰) می باشد که شش مؤلفه میل، برانگیختگی، لغزنده سازی، ارگاسم، رضایت و درد را در بر می گیرد که در بسیاری از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است (۳). امروزه نقش عملکرد جنسی مناسب در کیفیت زندگی به عنوان یک موضوع مهم در سلامت جنسی بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. مطالعات نشان داده است که کاهش عملکرد جنسی می تواند اثرات منفی بر روی اعتماد به نفس و روابط بین فردی بگذارد (۴ و ۵). همچنین پیشینه مطالعاتی نشان داده است که عملکرد جنسی مطلوب نقش مهمی در احساس سلامتی و بالابردن کیفیت زندگی دارد (۶).

بنابراین رابطه جنسی صحیح به عنوان پیش زمینه‌ای برای تقویت عواطف و احساسات بین زوجین عمل نموده و می‌تواند، موجبات تحکیم پیوندهای خانوادگی را فراهم آورد و از پیدایش و تشدید اختلالات و از هم گسیختگی بنیان خانواده و جامعه جلوگیری نماید (۷). از طرفی ایورائرد (۸) معتقد است که رابطه جنسی یک هیجان است و باید به عنوان یک هیجان مطالعه شود. لذا توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه رضایت بخش نیاز به شناسایی هیجان‌ها، ابراز هیجان‌ها و توانایی فهم و پذیرش هیجان‌های شریک مقابل دارد (۹). با این تفاسیر یکی از عوامل درونی مؤثر در عملکرد جنسی، ناگویی هیجانی[2]است. ناگویی هیجانی به عنوان ناتوانی در پردازش اطلاعات مبتنی بر هیجان و تنظیم آن‌ها تعریف شده است (۱۰). افراد مستعد ناگویی هیجانی از روابط نزدیک اجتناب می‌کنند و اگر هم رابطه برقرار کنند، این رابطه سطحی است و تمایل به وابستگی و نادیده گرفته شدن دارند (۱۱). پیشینه مطالعاتی نشان داده است که ناگویی هیجانی می‌تواند، پیش بینی کننده مشکلات بین فردی باشد (۱۲). از طرفی گفتگوی زوجین پیرامون مسایل جنسی، خواسته‌ها و ترجیح‌های جنسی و کشف ترجیح‌های جنسی دیگری در برقراری رابطه زناشویی و ارتباط جنسی تأثیر بسزایی دارد (۱۳). برای بعضی از افراد بیان هیجان‌ها، به ویژه عشق و محبت بی نهایت دشوار است. در حالی که صحبت درباره احساس‌ها و امیال جنسی، بهترین راه شناخت خواسته‌های جنسی همسر و تکمیل اطلاعات جنسی زوج است و برای برقراری ارتباط جنسی لذت بخش، بهترین شانس را در اختیار زوجین قرار می‌دهد. از طرفی بیان نکردن امیال جنسی باعث می‌شود، زوجین از ارتباط جنسی لذت کمتری ببرنند و این امر در ایجاد اختلال در عملکرد جنسی نقش مهمی دارد (۱۴). طبق پیشینه مطالعاتی ناگویی هیجانی با اختلالات جنسی در ارتباط است (۹، ۱۴-۱۷). در یکی از جدیدترین مطالعات برنگر[3] و همکاران (۱۸) بیان کردند که در زنان مبتلا به ناگویی هیجانی برانگیختگی و لغزنده سازی کمتر، همچنین مشکلات در ارگاسم، درد جنسی و نارضایتی بیشتر همراه است و در مردان نیز ناگویی هیجانی بالاتر با اختلالات نعوظ مرتبط است.

از طرفی طبق پیشینه مطالعاتی عوامل موثر زیادی در عملکرد جنسی نقش دارند با این وجود عملکرد جنسی از منظر اجتماعی خیلی کم مورد توجه محققان قرار گرفته است و البته نگاه روانشناسی اجتماعی به عملکرد جنسی بسیار جالب و در عین حال بسیار مهم و قابل توجه است و

1 . Rosen

2. Alexithymia
3. Berenguer

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

اذهان را به خود جلب می‌کند. بر طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت جنسی که عبارت است از هماهنگی و سازگاری جنبه های جسمی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی امور جنسی انسان به گونه‌ای که شخصیت و روابط عشق را ارتقاء داده و پربار کند؛ نگاه اجتماعی به عملکرد جنسی که بخشی از سلامت جنسی محسوب می‌شود، حائز اهمیت است. یکی از نظریه هایی که می‌تواند در این زمینه مطرح شود، تئوری تبادل اجتماعی[1] است. تئوری تبادل اجتماعی یک رویکرد روانشناسی اجتماعی است که از نظریه وابستگی میان فردی تایبوت و کلی[2] (۱۹۵۹) گرفته شده است که روابط اجتماعی را به عنوان یک فرآیند تبادلی بین دو شریک تشریح می‌کند که مبتنی بر مفهوم پاداش‌ها، تنبیه‌ها و منابع می‌باشد. منابع تبادل شده می‌توانند پول برای رفع نیاز، اطلاعات برای حل مسئله و خلاقیت،... باشد (۱۹). لیبمن و همکارانش (۲۰) طی مطالعه ای نشان دادند که تبادل اجتماعی دارای پنج مولفه پیگیری[3] (پایش مکرر و دقیق هزینه و سود)، انصاف[4] (برابری خواهی)، فردگرایی[5] (رجحان برای خوداتکایی و سرمایه گذاری اندک)، منفعت طلبی[6] (تمایل به افزایش حتی الامکان سود) و سرمایه گذاری افراطی[7] (سرمایه گذاری بدون الزام یا انتظارات سرمایه گذاری برابر از جانب دیگران) می باشد، این نظریه مطرح می‌کند که روابط انسانی بر اساس هزینه – سود تشکیل و نگهداری می شوند. نظریه تبادل اجتماعی معتقد است، هنگامی افراد وارد یک رابطه یا گروه می‌شوند بر هزینه‌های سرمایه گذاری و مشارکت خود در روابط با میزان عایدی از آن‌ها تمرکز می‌کنند (۲۱). به عنوان مثال زمانی که یک فرد هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع اش درک می‌کند، تئوری تبادل اجتماعی پیش بینی می‌کند که این شخص احتمالاً تصمیم به ترک این رابطه می‌کند (۲۲). این تئوری در رابطه زناشویی هم حائز اهمیت است. پری[8] (۲۳) معتقد است که تئوری تبادل اجتماعی یکی از نظریه‌های مهم در زمینه ازدواج و خانواده است که توجیه و تبیین مناسبی برای کیفیت و نحوه روابط زناشویی ارائه می‌کند. به عنوان مثال طبق این دیدگاه مردی که در رفتار همسرش بی عدالتی درک کند، دچار انزال زودرس می‌شود (۲۴). بنابراین نتایج مطالعات در مورد نقش تبادل اجتماعی در عملکرد جنسی و نگرش‌های جنسیتی زنان و مردان نشان داده است که تبادل اجتماعی بین زن و شوهر در خصوص مسائل زناشویی و روابط جنسی، روابط عاشقانه، صمیمیت، نگرش‌ها و دیدگاه هایی مانند بده و بستان و هزینه و پاداش در آنان شکل می‌دهد که به طور اساسی عملکرد جنسی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۵-۲۹). به طوری که در روابط زناشویی، زوجینی که پیامدهای هزینه/ پاداش مطلوبی از یکدیگر دریافت می‌کنند، به احتمال زیاد نسبت به ازدواج شان رضایت بیشتری دارند و کمتر می‌خواهند، مشکلات زناشویی شان را از طریق طلاق و جدایی حل کنند. این دسته از زوجین در مسائل زناشویی مانند رضایتمندی جنسی و انتظار از روابط زناشویی رضایتمندی بالاتری دارند و بالعکس زوجینی که پیامدهای هزینه / پاداش مطلوبی دریافت نمی‌کنند در روابط زناشویی‌شان دچار مشکل می‌شوند (۳۰). استیفنسون و مستون[9] (۳۱) در پژوهشی به تبیین الگوی تبادل بین فردی رضایت جنسی پرداختند که در این پژوهش دریافتند، ادارک زنان از هزینه‌های جنسی در رابطه جنسی با شریک جنسی خود به عنوان یک مکانیزم تبیین کننده رضایت جنسی در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که زنان بین هزینه‌های جنسی خود و پاداش ها و پیامدهای آن بتوانند یک تعادل پیدا کنند و ادراک مطلوبی داشته باشند به همان اندازه هم سطح رضایت جنسی بالاتری دارند و در غیر این صورت با

1 .Social Exchange Theory
2 . Thibaut, Kelley
3 . tracking
4 . fairness
5. individualism
6. benefit-seekin
7 .Overinvestment

8. Perry
9 . Stephenson, & Meston

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مشکلات جنسی مواجه می‌شوند. سانچز- فیونتش و سانتوس- لگلسایس[1](۲۶) در پژوهشی دریافتند که ادراکات زنان از تبادل بین فردی با شریک جنسی خود در رضایتمندی جنسی آنان نقش دارد. به عبارتی دیگر زنانی که ادارکات بهتری از تعادل بین هزینه‌ها و پاداش‌های جنسی دارند، عملکرد و رضایت جنسی بهتر و مطلوب تری را در رابطه جنسی خود تجربه می‌کنند. صفاری نیا، شریفیان و علیزاده فرد (۳۲) نیز طی پژوهشی بیان کردند که سبک تبادلی انصاف می‌تواند اختلال درد جنسی را پیش بینی کند. همچنین شریفیان، صفاری نیا و علیزاده فرد (۲۹) طی مطالعه ای نشان دادند که طرحواره جنسی پرشور-رمانتیک و طرحواره جنسی خجالتی – محتاط با میانجیگری سبک انصاف اثر غیرمستقیم بر اختلال درد جنسی دارند. مردانی ولندانی، صفاری نیا، علی پور و آقایوسفی (۳۳) نیز طی مطالعه ای با هدف بررسی اثربخشی آموزش خود دلسوزی شناختی بر تغییر سبک‌های تبادل اجتماعی زوجین متقاضی طلاق نشان دادند که آموزش خود دلسوزی شناختی بر تغییر سبک‌های تبادل انصاف و سرمایه گذاری افراطی تاثیر معنی دار داشته است. از طرفی نتیجه پژوهش هوپ[2](۳۴) نشان داد که زمانی که روابط تبادلی در بین زن و شوهر خیلی شدید باشد، زنان را در فعالیت های جنسی ناتوان می‌سازند و آنها را از صحبت کردن درباره مسایل جنسی بر حذر می دارد. بنابراین نظریه تبادل اجتماعی اظهار می دارد که تبادل پول، هدیه و هر چیز دیگری به زنان از طرف مردان، مکانیزم هایی را فعال می‌کند که نشان می‌دهد، بین این نوع تبادلات و فعالیت های جنسی رابطه وجود دارد. همچنین واموییو[3] همکاران (۳۵) در پژوهشی که در مورد نقش تبادل اجتماعی در عملکرد جنسی انجام دادند، دریافتند که برخی از روابط جنسی می‌توانند به صورت تبادلات محصول ملاحظه شوند، چون زنان می‌دانند که وصول یا وعده به آنان به این معنی است که باید به یک رابطه جنسی ناامن تن دهند که در چنین شرایطی عملکرد جنسی و لذت جنسی همراه آن برای زنان بسیار تضعیف می‌شود. همان طور که پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد، چگونگی تبادل اجتماعی بین زن و شوهر برای رابطه جنسی و در هنگام فعالیت های جنسی تا حدود زیادی تحت تأثیر نگرش‌های جنسی زن و شوهر است (۳۶) از طرفی تئوری تبادل اجتماعی یک چارچوب بالقوه مفید برای ارزیابی مسائل جنسی را فراهم می‌کند و تعداد کمی از محققان از این متغیر استفاده کرده‌اند. همچنین مطالعات نشان داده است که نظریه تبادل اجتماعی در چارچوب تبادلات بین فردی در بین زوجین حائز اهمیت است که می‌تواند، روابط عاشقانه، صمیمیت، انگیزه ها، تمایلات جنسی و سطح رضایتمندی زناشویی و جنسی را در آ نها تحت تأثیر قرار دهد (۳۷)؛ پس این دیدگاه به طور نظری و همچنین بر اساس پیشینه مطالعاتی می‌تواند در نحوهٔ ارتباطات جنسی زوجین مؤثر باشد (۳۸).

از زمانی که الیس[4] کینزی[5] و بعد از آن مسترز و جانسون[6] به مطالعه نظام‌مند رفتارهای جنسی پرداختند، این مسئله تصریح گردید که مشکلات و بدعملکردی‌های جنسی شایع تر از آن است که تصور می‌شد (۳۹). پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد که یک سوم زنان میل جنسی پایین، یک چهارم آنان مشکل ارگاسم و یک پنجم آنان مشکل مربوط به لغزنده سازی و رضایت جنسی دارند (۴۰ و ۴۱). بسیاری از مسائل جنسی به خاطر شرم و خجالت، بی‌کفایتی و احساس گناه مخفی باقی مانده و بیان نمی‌شوند و این مشکلات بیان نشده اگر با ناگویی هیجانی یکی از زوجین نیز همراه شود، موجب بسیاری از مشکلات خانوادگی و اختلالات روانی خواهد شد. این در حالی است که از نظر محققان و متخصصان حوزه روانشناسی جنسی اگر این مشکلات به موقع تشخیص داده شوند، روش‌های پیشگیری و درمانی

1 . S´anchez-Fuentes, Santos-Iglesias
2. Hope
3. Wamoyi
4. Ellis
5. Kinsey
6. Masters & Jonhnson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

مؤثری برای آنان وجود خواهد داشت. از این رو بررسی و مطالعه در خصوص مشکلات جنسی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. از طرفی با توجه به بررسی پژوهش های مرتبط با عملکرد جنسی و مطالعه عوامل تاثیرگذار در این حوزه، به نظر می‌رسد که به لحاظ سبب شناسی، بدعملکردی جنسی بخش عمده ای از علل ناشی از مشکلات زوجین است. مدل های جدید عملکرد جنسی زنان پیشنهاد می‌کنند که زنان به خاطر اینکه به صمیمت عاطفی برسند وارد رابطه جنسی با همسرشان می‌شوند نه به خاطر ارضای غرایزشان (۲۶). بنابراین عدم تمایل یا تحریک زنان نه تنها باید در بافت زیست پزشکی بررسی شود بلکه باید زمینه‌های اجتماعی ارتباطی آنان هم مورد بررسی قرار گیرد (۴۲) و از آنجایی که مشکلات جنسی چند عاملی هستند، متخصصان باید به همه عوامل توجه کنند، باید روابط اجتماعی شان هم مورد بررسی قرار گیرد. پیشینه مطالعاتی نیز نقش عوامل روانی-اجتماعی را در این حوزه مورد بررسی قرار داده است، اما این مطالعات اندک هستند، لذا پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از الگوی معادلات ساختاری مدلی تدوین کند تا ارتباط بین ناگویی هیجانی و عملکرد جنسی با میانجیگری سبک‌های تبادل اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد؛ همچنین ساختار مدل را مورد آزمون قرار دهد که آیا مدل از برازش کافی برخوردار است یا خیر؟ و اینکه آیا سبک‌های تبادل اجتماعی می توانند ارتباط بین ناگویی هیجانی با عملکرد جنسی را میانجیگری کنند؟ ساختار مدل در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

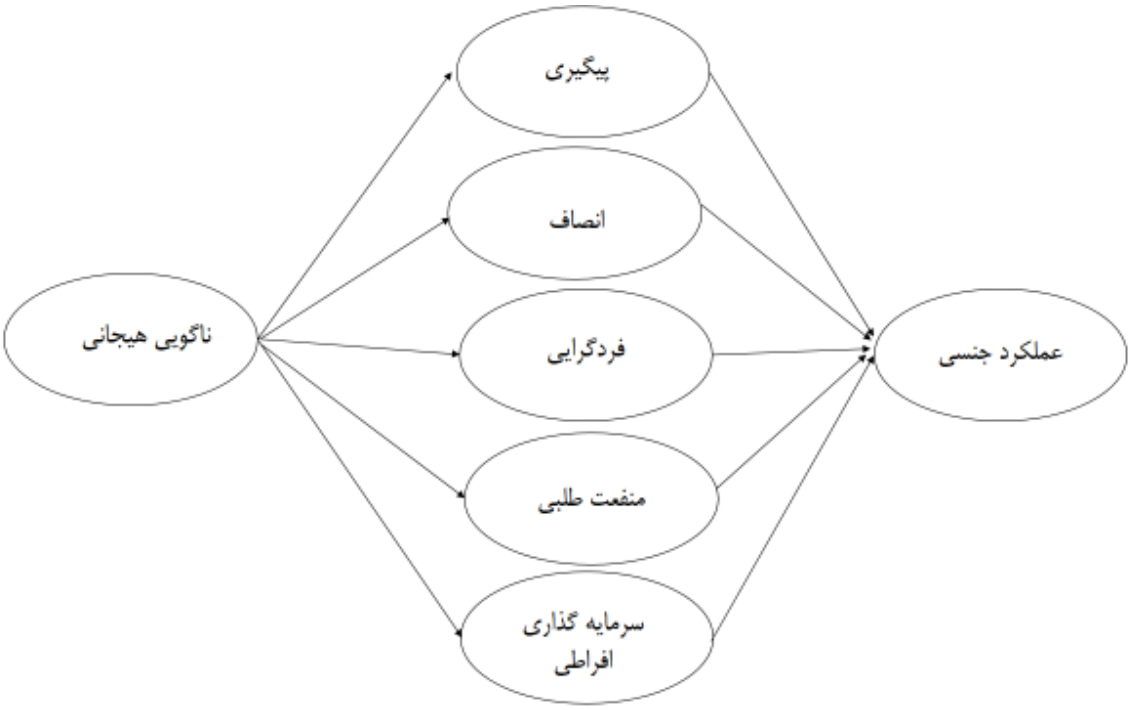

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی زنان متاهل ساکن شهر تهران بودند. کلاین (۴۳) حداقل حجم نمونه برای استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری را ۲۰۰ نفر می داند، همچنین وی تعداد ۵ تا ۱۰ شرکت کننده به ازای هر پارامتری که باید تخمین زده شود را پیشنهاد می‌کند. با در نظر گرفتن این موضوع، تعداد ۵۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که بعد از حذف داده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

های پرت، داده های مربوط به ۵۱۰ نفر قابل تجزیه و تحلیل بود. با توجه به شرایط موجود در جامعه و شیوع ویروس کووید-۱۹، پرسشنامه ها به صورت اینترنتی تهیه و در فضای مجازی منتشر و افرادی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، پرسشنامه ها را تکمیل و ارسال کردند. متأهل بودن، شروع زندگی مشترک و داشتن رابطه جنسی به صورت واژینال (زنان مورد مطالعه در دوران نامزدی و عقد نباشند)، سابقه ازدواج حداقل یک سال، رده سنی ۲۹ تا ۳۹ سال، نداشتن مشکلات جنسی مزمن، نداشتن مشکلات جسمانی و روانپزشکی مزمن، عدم مصرف دارو برای مشکلات جسمانی و روانی، عدم سابقه ازدواج مجدد و هر گونه روابط خارج از روابط زناشویی، و عدم وجود هر نوع مشکل جنسی مزمن در شوهر از شرایط ورود به نمونه بود. بنابراین شرکت کنندگان پژوهش حاضر را ۵۱۰ زن متاهل با میانگین سنی ۳۵/۲۰ سال و انحراف استاندارد ۹/۲۱ سال تشکیل دادند. میانگین مدت زمان ازدواج شرکت کنندگان نیز ۱۳/۱۹ سال با انحراف استاندارد ۹/۶۲ سال بود. ۴۰۶ نفر (۷۹/۶ ٪) از شرکت کنندگان خانه دار و ۱۰۴ نفر (۲۰/۴ ٪) شاغل بودند. ۱۳۳ نفر (۲۶/۱٪) فاقد فرزند، ۱۵۷ نفر (۳۰/۸٪) دارای یک فرزند، ۱۷۶ نفر (۳۴/۵٪) دارای ۲ فرزند، ۳۸ نفر (۷/۵٪) دارای ۳ فرزند، ۵ نفر (۱٪) دارای ۴ فرزند و یک نفر (۰/۲ ٪) دارای ۵ فرزند بودند. ۳۰ نفر (۵/۹٪) از آنها دارای مدرک سیکل، ۱۱۹ نفر (۲۳/۳ ٪) دارای مدرک دیپلم، ۲۶۳ نفر (۵۱/۶٪) دارای مدرک لیسانس، ۷۹ نفر (۱۵/۵٪) دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۹ نفر (۳/۷٪) دارای مدرک دکتری بودند. در تحلیل داده های این پژوهش افرادی به علت داشتن داده پرت تک متغیری و چندمتغیری از تحلیل کنار گذاشته شدند.

پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (۱۹۹۴)؛ این مقیاس در سال ۱۹۹۴ توسط بگبی، تیلور و پارکر[1] تجدیدنظر گردید (۴۴). در این مقیاس بیست ماده ای ناگویی هیجانی در سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر با جهت گیری خارجی ارزیابی می‌شود. دامنه پاسخ به هر ماده ۵ درجه و از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره داده می‌شود. سوالات ۴، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۱۹ به دلیل منفی بودن به شیوه نمره گذاری معکوس می‌شود. سوالات مولفه دشواری در تشخیص احساسات: ۱، ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۳و ۱۴، دشواری در توصیف احساسات: ۲، ۴، ۱۱، ۱۲ ، ۱۷ و تفکر با جهت گیری خارجی: ۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ می باشند. بشارت و گنجی (۴۵) در پژوهش خود ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خده مقیاس ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ به دست آوردند که نشان همسانی درونی خوب مقیاس است. روایی همزمان این مقیاس بر حسب همبستگی بین زیرمقیاس های این آزمون و مقیاس های هوش هیجانی، بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی مورد برسی و تائید قرار گرفت و ضریب همبستگی بین زیرمقیاس های ناگویی هیجانی و متغیرهای فوق معنادار بودند. نتایج تحلیل عامل تائیدی هم وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات و تفکر عینی را در نسخه فارسی تائید کردند.

پرسشنامه تبادل اجتماعی؛ پرسشنامه تبادل اجتماعی توسط لیبمن و همکاران (۲۰) طراحی شده و مشتمل بر ۵۴ گویه و پنج خرده‌مقیاس پیگیری، انصاف، فردگرایی، منفعت‌طلبی و سرمایه‌گذاری افراطی می‌باشد. طبق مطالعه لیبمن و همکاران (۲۰) با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی با توجه به بار عاملی بالاتر از ۰/۳ پنج عامل شناسایی شد. نتایج تحلیل عامل تائیدی هم نشان دهنده برازش مناسب بود (شاخص نیکویی براز ش[2] GFI = ۰/۹۱، شاخص برازش تطبیقی[3] CFI= ۰/۹۳ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد[4] RMSEA= ۰/۰۷). آلفای کرونباخ خرده مقیاس

1. Bagby Taylor, Parker

2. Goodness of Fit Index
3. Comparative Fit Index
4. Root Mean Square Error of Approximation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

های پیگیری، انصاف، فردگرایی، منفعت طلبی و سرمایه گذاری افراطی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۸ بود. همچنین روایی همزمان با پرسشنامه های هنجار تقابل، صفات شخصیتی نئو، عزت نفس، حمایت اجتماعی تائید شده است. این پرسشنامه در پژوهش صفاری‌نیا (۴۶) ابتدا به زبان فارسی ترجمه و سپس نسخه ترجمه شده فارسی به انگلیسی برگردانده شد و به ۴۱ گویه تقلیل یافت. پس از آن، قابل فهم و رسا بودن متن توسط اساتید روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و بر روی ۴۷۰ زن و مرد شهر تهران اجرا شد. گویه‌ها در طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم= ۱ تا کاملاً موافقم= ۵) نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش صفاری‌نیا (۴۶) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۳ به دست آمد که میزان رضایتبخشی است. همچنین، نتایج پژوهش جهت تعیین روایی محتوایی با استفاده از نظر متخصصان حاکی از روایی محتوایی پرسشنامه و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PC) از طریق چرخش واریماکس مؤیّد وجود پنج عامل دارای ارزش ویژه بزرگتر از یک و نیم تحت عنوان «پیگیری»، «انصاف»، «فردگرایی»، «منفعت‌طلبی»و «سرمایه‌گذاری افراطی» با تغییر در برخی گویه‌های اصلی و حذف برخی گویه‌ها بوده است. بر همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی (شاخصهای مجذور خی/ درجه آزادی $\chi 2/df$= ۳/۴۶، شاخص نیکویی برازشGFI= ۰/۸۹، شاخص نیکویی برازش اصلاح شدهAGFI[1]= ۰/۸۶، شاخص برازش تطبیقیCFI= ۰/۸۶ و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآوردRMSEA[2]= ۰/۰۷) نشان‌دهنده برازش نسبتاً خوب مدل ۴۱ گویه‌ای بود. به‌علاوه، یافته‌های مربوط به هنجارسازی نشان داد که میانه نمرات انصاف، منفعت‌طلبی، فردگرایی، پیگیری و سرمایه-گذاری افراطی در کل نمونه ایرانی به ترتیب برابر با ۱۴، ۳۲، ۲۱، ۲۷ و ۱۳ می‌باشد.

1. Adjusted Goodness of Fit Index
2. Root Mean Square Error of Approximation

پرسشنامه بررسی عملکرد جنسی زنان (روزن و همکاران ۲۰۰۰)؛ یکی از ابزارهای مناسب شاخص عملکرد جنسی زنان است که با ۱۹ سوال، عملکرد جنسی زنان را در ۶ حوزه شامل موارد ذیل می‌سنجند: میل، تحریک روانی، رطوبت، ارگاسم ، رضایتمندی و درد جنسی. این مقیاس توسط روزن وهمکاران (۳) ساخته و در گروهی از زنان با اختلال تحریک جنسی اعتباریابی شده است. در مورد نحوه نمره دهی، طبق دستورالعمل طراح پرسشنامه، نمرات هر حوزه از طریق جمع نمرات سوالهای هر حوزه وضرب آن در عدد فاکتور به دست آمد. از آنجا که در پرسشنامه تعداد سوالات حوزه ها با یکدیگر برابر نیستند، ابتدا جهت هم وزن کردن حوزه ها با یکدیگر نمرات حاصل از سوالهای هر حوزه باهم جمع شده و سپس در عدد فاکتورها ضرب میشود. با جمع کردن نمرات ۶ حوزه با هم نمره کل مقیاس بدست می‌آید.به این ترتیب نمره گذاری به گونه ای است که نمره بیشتر نشانگر کارکرد بهتر جنسی است. بر اساس هم وزن نمودن حوزه ها، حداکثر نمره برای هر حوزه برابر ۶ و برای کل مقیاس ۳۶ خواهد بود. نمره صفر حاکی از آن است که فرد در طول ۴ هفته گذشته فعالیت جنسی نداشته است. روزن و همکاران (۳) این مطالعه را بر روی ۱۳۱ فرد سالم و ۱۲۸ فرد همسان اما مبتلا به اختلال برانگیختگی جنسی زنان (FSAD)[3]در پنج مرکز تحقیقاتی انجام دادند. بر اساس تفاسیر بالینی تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی، یک ساختار ۶ حوزه‌ای شناسایی شد که ضرایب پایایی کلی آزمون-بازآزمایی برای هر یک از حوزه‌های جداگانه بالا بود (۰/۷۹ تا r=۰/۸۶) و درجه سازگاری درونی بالایی مشاهده شد (مقادیر آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و بالاتر). نقطه برش برای کل مقیاس وزیر مقیاس ها به ترتیب عبارتند از: کل مقیاس ۲۸ ، میل ۳/۳ ، تحریک روانی ۳/۴، رطوبت ۳/۴، ارگاسم ۳/۴، رضایتمندی ۳/۸ و درد جنسی ۳/۸ . به عبارت دیگر نمرات بیشتر از نقطه بیشتر از نقطه برش مبین عملکرد خوب است. این پرسشنامه یک پرسشنامه عمومی استاندارد

3. Female Sexual Arousal Disorder

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

می‌باشد که پایایی و روایی آن توسط روزن و همکارانش در سال ۲۰۰۰ طی تحقیقی که همین منظور انجام شد مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی و روایی آن طی تحقیقی که توسط محمدی (۱۳۸۳) انجام گردید، تایید شده است که ضریب پایایی کلی آزمون با دو روش تنصیف و بازآزمایی (۷۸و۷۵٪) و برای خرده آزمونها با روش تنصیف بین ۶۳ تا۷۵٪ و با روش بازآزمایی بین ۷۰ تا۸۱٪ گزارش شده است (۴۷).

داده های جمع آوری شده در دو بخش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی تحلیل شدند. در بخش استنباطی با توجه به ماهیت فرضیه ها و اهداف پژوهش، داده ها با استفاده از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS-19 و لیزرل نسخه۸/۸ استفاده شد.

یافته‌ها

داده‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و حداقل و حداکثر نمره) متغیرهای پژوهش در جداول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد پژوهش

	مقدار حداقل	مقدار حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
نمره کل ناگویی هیجانی	۲۵	۹۲	۵۱/۱۴	۱۱/۵۱
خرده مقیاس دشواری در تشخیص احساسات	۷	۳۵	۱۸/۵۰	۶/۳۴
خرده مقیاس دشواری در توصیف احساسات	۵	۲۵	۱۲/۸۵	۴/۴۲
خرده مقیاس تفکر با جهت گیری خارجی	۹	۳۲	۱۹/۷۸	۳/۳۷
سبک تبادل پیگیری	۱۵	۴۰	۲۸/۳۴	۴/۱۸
سبک تبادل انصاف	۲۴	۴۹	۳۵/۵۶	۳/۹۷
سبک تبادل فردگرایی	۱۳	۳۱	۲۱/۷۳	۲/۸۶
سبک تبادل منفعت طلبی	۱۵	۴۹	۳۰/۳۰	۵/۵۸
سبک تبادل سرمایه گذاری افراطی	۸	۲۴	۱۶/۱۶	۲/۴۰
عملکرد جنسی	۰/۶۰	۳۳/۵۰	۲۱/۸۱	۸/۴۷

جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مورد پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که خلاصه نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد پژوهش

	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	ناگویی هیجانی	۱						
۲	سبک تبادل پیگری	۰/۱۰۱*	۱					
۳	سبک تبادل انصاف	۰/۱۲۰**	۰/۵۶۳**	۱				
۴	سبک تبادل فردگرایی	۰/۲۷۳**	۰/۴۳۹**	۰/۴۱۸**	۱			
۵	سبک تبادل منفعت طلبی	۰/۲۷۴**	۰/۵۵۳**	۰/۴۵۷**	۰/۵۶۲**	۱		
۶	سبک تبادل سرمایه گذاری افراطی	-۰/۲۷۰**	۰/۵۰۲**	۰/۵۱۴**	۰/۴۲۷**	۰/۴۴۸**	۱	
۷	عملکرد جنسی	-۰/۱۸۱**	۰/۰۱	۰/۰۲۷	۰-/۰۷۲	-۰/۲۸۱**	۰/۲۷۷**	۱

همان طور که جدول شماره ۲ نشان می دهد، ناگویی هیجانی (p=۰/۰۰۰۱ و r= -۰/۱۸۱) رابطه منفی معنی دار ی با عملکرد جنسی دارند. همچنین جدول ۲ نشان می دهد، ناگویی هیجانی با سبک پیگیری (p=۰/۰۰۰۱ و r= ۰/۱۰۱) ، سبک انصاف (p=۰/۰۰۰۱ و r= ۰/۱۲۰) ، سبک منفعت طلبی (p=۰/۰۰۰۱ و r= ۰/۲۷۴) ، سبک سرمایه گذاری افراطی (p=۰/۰۰۰۱ و r= -۰/۲۷) و با سبک فردگرایی (p=۰/۰۰۰۱ و r= ۰/۲۷۳) رابطه معنی دار دارند (p<۰/۰۵). همچنین حدول ۲ نشان می دهد که عملکرد جنسی با سبک تبادل پیگیری (p=۰/۱ و r= ۰/۰۱) ، انصاف (p=۰/۳۵ و r= ۰/۰۲۷) و فرد گرایی (p=۰/۳۳ و r= -۰/۰۷۲) رابطه غیر معنی دار و با سبک منفعت طلبی (p=۰/۰۰۰۱ و r= -۰/۲۸۱) و سرمایه گذاری افراطی (p=۰/۰۰۰۱ و r= ۰/۲۷۷) رابطه معنی دار وجود دارد.

انتخاب نشانگرهای مناسب در الگوی معادلات ساختاری از اهمیت مضاعفی برخوردار است. پیش از انتخاب نشانگرها، با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، توان آن‌ها برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون زیربنایی ارزیابی شد. همچنین پیش فرض‌های الگویابی معادلات ساختاری از جمله نرمال بودن تک متغیری، نرمال بودن چندمتغیری، هم خطی چندگانه و داده‌های پرت نیز مورد بررسی و تائید قرار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

گرفتند. نتایج ضرایب غیراستاندارد، استاندارد و سطوح معنی داری برای مدل ساختاری پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب غیراستاندارد، استاندارد و سطوح معنی داری برای مدل ساختاری پژوهش

مسیر	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	سطح معنی داری
ناگویی هیجانی ← پیگیری	۰/۵۵۲	۰/۷۳۲	۰/۱
ناگویی هیجانی ← انصاف	۰/۱۶۹	۰/۴۲۲	۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی ← فردگرایی	۰/۲۷۸	۰/۶۷۹	۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی ← منفعت طلبی	۰/۵۶۶	۰/۸۸۴	۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی ← سرمایه گذاری افراطی	۰/۳۷۱	۱/۰۴	۰/۰۰۱
پیگیری ← عملکرد جنسی	۰/۱۵۸	۰/۱۴۷	۰/۳۱۰
انصاف ← عملکرد جنسی	۰/۲۳۰	۰/۱۱۴	۰/۱۱۰
فردگرایی ← عملکرد جنسی	-۰/۱۰۲	-۰/۰۵۲	۰/۶۶۶
منفعت طلبی ← عملکرد جنسی	۱/۲۷	۱/۰۰۵	۰/۰۴۸
سرمایه گذاری افراطی ← عملکرد جنسی	-۲/۷۷	-۱/۲۱	۰/۰۴۳

همانطور که جدول شماره ۳ نشان می دهد، ناگویی هیجانی با همه سبک‌های تبادل اجتماعی به جز سبک تبادل پیگیری معنی دار است. همچنین اثر سبک تبادل پیگیری، انصاف و فردگرایی بر عملکرد جنسی نیز فاقد معنی داری است. سایر اثرات در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی دار است.

شاخص های برازش مدل در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل ساختاری نهایی

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مقدار
خی‌دو ($\chi 2$)	-	۸۱۴/۰۳
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۳۵
شاخص توکر- لوییس (TLI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۷
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۶
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۴
شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	۰/۹۳
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۵۸

جدول شماره ۴ نشان می دهد که همه شاخص ها در محدوده قابل پذیرش قرار دارند و مقادیر این شاخص ها نشان می دهند که مدل نهایی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است.

در مطالعه حاضر برای ارزیابی روابط واسطه ای از آزمون بوت استرپ استفاده شد. بوت استرپ قدرتمندترین و منطقی ترین روش را برای ارزیابی اثرات غیر مستقیم فراهم می آورد. ارزیابی معنی داری این روابط را می‌توان به دو طریق بررسی کرد. روش اول با مراجعه به سطوح معنی داری و روش دوم با بررسی فاصله های اطمینان. در صورتی که حد بالا و پایین با فاصله اطمینان ۹۵ ٪ برای مسیر واسطه ای هم علامت باشند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) و یا به عبارتی مقدار صفر بین این دو حد قرار نگیرد مسیر مورد نظر در سطح $p < ۰/۰۵$ معنی دار است.

جدول ۵. نتایج آزمون بوت استرپ برای اثرات واسطه ای

مسیرهای واسطه ای		ناگویی هیجانی ↓ سرمایه گذاری افراطی ↓ عملکرد جنسی	ناگویی هیجانی ↓ منفعت طلبی ↓ عملکرد جنسی
ضریب استاندارد (اندازه اثر)		-۰/۰۵۰	-۰/۰۵۷
حدود	حد بالا	-۰/۰۰۲	-۰/۰۲۹
بوت استرپ	حد پایین	-۰/۰۸۳	-۰/۱۰۲
(فاصله های اطمینان استاندارد شده در سطح اطمینان ۹۵ ٪)			
سطح معنی داری		۰/۰۴۲	۰/۰۳۹

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم ناگویی هیجانی بر عملکرد جنسی با واسطه‌گری سبک تبادل سرمایه گذاری افراطی با ضریب استاندارد ۰/۰۵۰ – معنی دار است. همچنین اثر غیرمستقیم ناگویی هیجانی بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

عملکرد جنسی با واسطه گری سبک تبادل منفعت طلبی با ضریب استاندارد ۰/۰۵۷- معنی دار است. مدل نهایی پژوهش در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

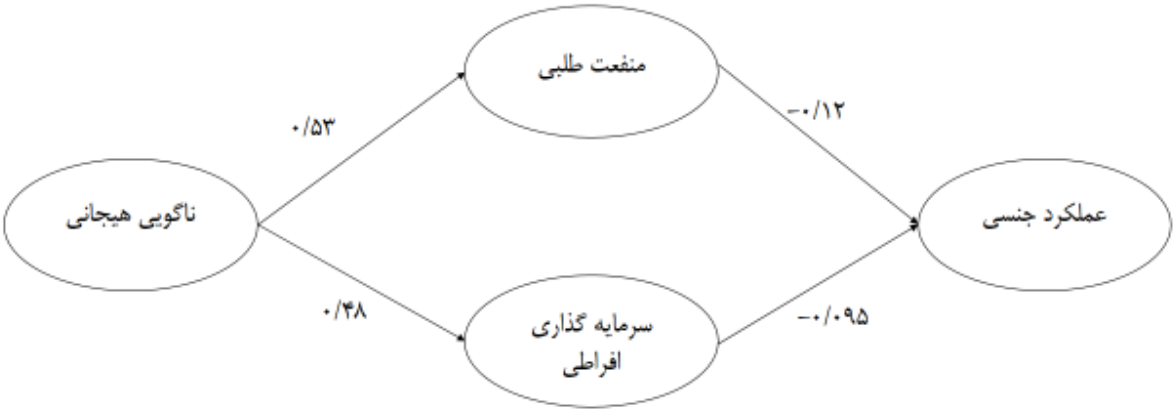

شکل۲. مدل نهایی پژوهش

مدل نهایی پژوهش در شکل ۲ مشاهده می‌شود. براساس این مدل مشخص می‌شود که ناگویی هیجانی با ضریب استاندارد ۰/۵۳ و با ضریب استاندارد ۰/۴۸ به ترتیب بر سبک سرمایه گذاری افراطی و سبک منفعت طلبی اثر می گذارد. همچنین سبک سرمایه گذاری افراطی با ضریب استاندارد ۰/۰۹۵- و سبک منفعت طلبی با ضریب استاندارد ۰/۱۲- بر عملکرد جنسی زنان اثر معنی دار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان طور که بیان شد، این پژوهش به منظور تدوین مدل ساختاری رابطه بین ناگویی هیجانی بر عملکرد جنسی زنان با میانجیگری سبک‌های تبادل اجتماعی صورت گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ناگویی هیجانی با عملکرد جنسی و همه سبک‌های تبادل اجتماعی رابطه معنی دار دارند. همچنین در پژوهش حاضر مدل معادلات ساختاری نشان داد که ناگویی هیجانی با میانجیگری سبک‌های انصاف، فردگرایی، سرمایه گذاری افراطی و منفعت طلبی با عملکرد جنسی رابطه دارند و دارای برازش هست اما با توجه به نتایج آزمون بوت استرپ می توان گفت که ناگویی هیجانی فقط از طریق دو سبک منفعت طلبی و سرمایه گذاری افراطی به طور غیرمستقیم با عملکرد جنسی رابطه دارد. این یافته ها به طور غیرمستقیم با نتایج پیشین همخوانی دارد (۱۶، ۲۶-۲۹، ۳۱-۳۲).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، ابراز عواطف و احساسات یکی از عوامل مهم در ایجاد صمیمیت و رضایت در رابطه است (۴۸) و همانطور که مطالعات نشان می‌دهد، ارتباط بین فردی و ابراز هیجان از جمله مهمترین عوامل رضایت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

زناشویی هستند (۴۹). اما افراد مبتلا به ناگویی هیجانی به دلیل اختلال در تحول هیجان‌ها و ناتوانی های شناختی تنظیم هیجان‌ها در شبکه روابط اجتماعی شان به ویژه روابط زناشویی محدودیت دارند. بنابراین با توجه به اینکه اولین قدم در زندگی زناشویی و روابط جنسی درک احساسات و پاسخگویی متقابل به عواطف شریک جنسی می‌باشد، افراد مبتلا به ناگویی هیجانی معمولاً به عدم درک و بی‌اعتنایی به همسر متهم می‌شوند و از همان ابتدای برقراری رابطه جنسی با شکست مواجه می‌شوند و در نتیجه این شکست منجر به ارزیابی های منفی توانایی جنسی و ناکامی حاصل از آن می‌شوند. به عبارت دیگر از مهمترین مشکلات مربوط به افراد دچار ناگویی هیجانی ناتوانی در شناسایی صحیح هیجان‌های خود و دیگران، ناتوانی در همدلی کردن و ناتوانی در توجه به محرک های عاطفی دیگران است و با توجه به اهمیت غیرقابل انکار هیجان‌ها در رابطه جنسی این مشکلات می‌تواند عملکرد جنسی فرد را با شریک جنسی اش مختل کند و به دنبال آن افکار ناکارآمد و محافظه کارانه جنسی فعال شود و به صورت یک دور معیوب نیز ادامه یابد؛ بنابراین طبق پیشینه مطالعاتی ناگویی هیجانی می‌تواند منجر به بدعملکردی جنسی شود (۹، ۱۴-۱۸).

اما آنچه حائز اهمیت است و نقطه جذاب، جالب و نوآورانه پژوهش حاضر است، تبیین این مورد است که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی با توجه به نقصی که در شناسایی، بیان و پردازش هیجانات دارند، یک سری واکنش ها و راهبردهای میانجی (سازش یافته- سازش نایافته) را راه اندازی می‌کنند که می توانند به صورت غیر مستقیم روی عملکرد جنسی تاثیر بگذارد. به عنوان مثال ایراندوست و همکاران(۹) طی مطالعه ای بیان کردند که ناگویی هیجانی از طریق درماندگی روانشناختی و صمیمیت زناشویی اثر غیرمستقیم با عملکرد جنسی دارد. همچنین ژانگ و همکاران (۱۵) طی مطالعه ای نشان دادند که تنظیم هیجات مثبت می‌تواند به صورت غیرمستقیم از طریق پیوند اجتماعی رضایت از زندگی را پیش بینی کند. افراد با ناگویی هیجانی سطوح کمتری از همدلی را که لازمه رابطه صمیمانه است از خود نشان می دهند (۵۰). آنها نسبت به همسرشان هیجانی نشان نمی دهند و سبک ارتباطی سرد و اجتنابی دارند (۵۱) و این عوامل روی سبک‌های تبادل اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد. مطابق با نظریه تبادل اجتماعی حفظ یا انحلال یک رابطه به این بستگی دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند. بنابراین شناخت حاصل از محاسبه آگاهانه یا ناخودآگاه هزینه‌ها و مزایای مربوط به ادامه یا خاتمه یک رابطه، وضعیت آن رابطه را تعیین می‌کند. رویکرد تبادل اجتماعی با رفتارها و احساسات جنسی رابطه متقابل خاصی دارد و می توان گفت ادراک زن در تعامل اجتماعی با شوهر در هنگام درخواست و انجام رابطه جنسی می‌تواند، رفتار جنسی و هیجان‌ها و لذت همراه با آن را تا حدود زیادی تحت تاثیر قرار دهد (۲۶). مطابق با تئوری تبادل اجتماعی، تیابوت و کلی(۳۸) معتقدند، وقتی سود (پاداش ها – هزینه‌ها) از تبادل زناشویی عادلانه درک شود، تمایل به پیشرفت و همبستگی در روابط زناشویی وجود دارد. همبستگی در یک رابطه زناشویی فقط بر اساس تجارب پاداش و هزینه‌های گذشته نیست، بلکه انتظارات پاداش و هزینه‌ها در مبادلات آینده را هم شامل می‌شود. بنابراین طبق تئوری تبادل اجتماعی، زوجینی که در مقایسه هزینه و پاداش ها نتیجه این ارزیابی را منصفانه درک کنند به احتمال زیاد از ازدواج خود راضی هستند. بنابراین این حالت یکی از بدیهات شناخت اجتماعی است که نظریه تبادل اجتماعی نیز نشان می دهد (۲۹).

همچنین از طرفی مطابق با نظریه تبادل اجتماعی، کلیدی ترین مفاهیم در این نظریه اعتماد و تعهد است (۲۴). اعتماد به عنوان عنصر ضروری که اجازه می دهد افراد عادل باشند و انتظار عدالت درازمدت داشته باشند. در واقع اعتماد حس امنیت درباره رفتارهای پیش بینی نشده فرد دیگری است. مطالعات نشان داده است که سطوح بالاتر اعتماد سبب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

افزایش میزان تعهد در روابط زناشویی هم می‌شود (۵۲). در همین راستا آسوده، خلیلی، دانش پور و لواسانی (۵۳) نشان دادند که ادراک تعادل در رابطه زناشویی، اعتماد میان همسران را افزایش داده که این امر کیفیت رابطه زناشویی را بالا می برد. همچنین نوریس و زویگنهافت[1] (۵۴) معتقدند که زوج‌هایی که سطح اعتماد بیشتری دارند، مدام اسنادهای مثبت را نسبت به یکدیگر و رابطه شان ابراز می‌کنند و رضایت بالاتری از ازدواج خود دارند. از طرفی وقتی زوجین به هم اعتماد نکنند، افکار و احساسات خود را با هم در میان نمی‌گذارند و این عدم ابراز احساسات، ارتباط جنسی را دچار اختلال می‌کند. طبق پیشینه مطالعاتی عدم خودابرازگری جنسی با اختلالات جنسی در ارتباط است (۱۴ و ۱۶). به طور معمول زوج های طبیعی به سرعت و طی شش هفته به هم اعتماد می‌کنند و احساس های خود را به دیگری ابراز می‌کنند، ابراز نکردن امیال جنسی در ایجاد اختلال جنسی نقش مهمی بازی می‌کند (۲۹). در بسیاری از موارد همین بیان نکردن هیجانها باعث میشود، یک مشکل جنسی، مدت بسیار طولانی تداوم یابد، زیرا تا در مورد مسائل صحبت نشود، حل نمیشوند. شاید یکی از عواملی که باعث می‌شود، که اختلالات جنسی سالها دوام یابد، همین مورد باشد. ناگویی هیجانی موجب می‌شود سبک تبادلی بین زوجین تحت تاثیر قرار گیرد و از حالت تعادل خارج شود که با توجه به نتایج پژوهش حاضر زوجین دارای این مشکل به دنبال منفعت و سود بیشتر هستند یا به صورت سرمایه گذاری افراطی نسبت به شریک زندگی شان برخورد می‌کنند و این حالت عدم تعادل (به دنبال سود و منفعت بیشتر از طریق سبک منفعت طلبی و سرمایه گذاری افراطی) به صورت غیرمستقیم منجر به بدعملکردی جنسی می‌شود. همان طور که مطالعات نشان داده است، روابط زناشویی مثالی از روابط تعاونی است و مانند کلیه روابط تعاملی می بایست از عدالت و روابط صحیح بین فردی تشکیل شود (۵۵). در واقع زوجین در جستجوی عدالت و برقراری تعادل بین درون داده ها و برون داده ها هستند. لذا اگر زوجین احساس عدم تعادل کنند، بی تردید در کارکردهای مختلف زندگی از جمله روابط جنسی دچار مشکل خواهند شد. طبق پیشینه مطالعاتی در این حوزه ، زوجینی که در روابط زناشویی خود احساس تعادل بین درون دادها و برون دادهایشان دارند، کمتر دچار مشکلات بین فردی و زناشویی می‌شوند اما در افرادی که در شناسایی و بیان هیجانات خود دچار مشکل هستند، دیگر این رابطه تعادل ندارد که در این موقع شخص سعی می‌کند طبق یافته های پژوهش حاضر یا به دنبال سود بیشتر و هزینه کمتر باشد یا به صورت افراطی سعی در حل مشکل خود می‌کند که در هر دو حالت سبک انتخاب شده، فرد را دچار مشکلات بیشتری می‌کند چرا که در این حالت افراد تحت تاثیر ناگویی هیجانی، راهکارهای سازش نایافته ای را برای حل مشکل انتخاب می‌کنند که این خود موجب ایجاد یک چرخه معیوب در روابط زناشویی می‌شود بنابرای افراد مبتلا به ناگویی هیجانی با اختلال در عملکرد جنسی مواجه می‌شوند.

بنابراین در ناگویی هیجانی که یک ویژگی شناختی عاطفی است و فرد مبتلا در تنظیم و فهم هیجانات خود ناتوان است، زمانی که اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی ادراک و ارزشیابی گردند افراد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی شده این ناتوانی می‌تواند، سازمان عواطف و شناخت های آنان را مختل سازد (۵۶). از طرفی دیگر به اعتقاد راچمن[2] (۵۷) ممکن است مشکلات مربوط به عدم پردازش هیجانی به یک مرتبه بروز نکند، بلکه به مرور در فرد جمع شده و فرد با توجه به توان سازگاری پایین مستعد ابتلا به انواع مشکلات و اختلالات شود. بنابراین فهم پایین از حالات هیجانی، واکنش منفی به هیجان‌ها و راهبردهای سازش نایافته در تعبیر هیجان‌ها می تواند رابطه تبادلی بین زوجین را تحت تاثیر قرار داده و

1. Norris, S. L., & Zweigenhaft

2. Rachman

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

باعث فعال شدن مکانیسم های سازش نایافته و به تبع آن عملکرد نامناسب در رابطه جنسی زوجین شود (۵۸).

پژوهش حاضر با محدودیت هایی روبه رو بوده است از جمله می توان اشاره کرد که این مطالعه بر روی زنان ساکن شهر تهران به صورت نمونه گیری در دسترس (غیرتصادفی) و به صورت اینترنتی با عدم توجه به ملاحظات فرهنگی و قومی مختلف صورت گرفت که تعمیم نتایج را به سایر افراد در شهرهای دیگر با محدودیت روبه رو می‌کند. همچنین عدم کنترل متغیرهای جمعیت شناختی (مانند وضعیت اجتماعی – اقتصادی، درآمد، شغل، .....) و متغیرهای شخصیتی (سبک های دلبستگی، نگرشش های مذهبی،...) گروه نمونه نیز یکی دیگر از محدودیت های پژوهش حاضر بوده است. از طرفی این مطالعه فقط روی زنان صورت گرفت و مطمئنا مطالعه بر روی زوجین نتایج بیشتری حاصل می‌کند. همچنین با توجه به اینکه رابطه جنسی از خصوصی ترین مسائل زندگی زناشویی محسوب می‌شود، ممکن است افراد به راحتی قادر به صحبت کردن در مورد مسائل جنسی خود نباشند. از طرفی مسائلی مانند روابط فرا زناشویی که طبق پیشینه مطالعاتی می‌تواند در عملکرد جنسی تاثیرگذار باشد، نیز جزء مواردی است که خارج از اختیارات پژوهشگر بود. همچنین اگرچه داده های این پژوهش با الگوی ساختاری آزمون شده هماهنگ است، ولی کابرد آن در روابط علت و معلولی باید با احتیاط انجام شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعاتی با توجه به محدودیت های مطرح شده به همراه سایر متغیرهای احتمالی به نقش مداخله ای تنظیم هیجانی با استناد به تئوری تبادل اجتماعی جهت پیشگری و درمان مشکلات جنسی به درمانگران با رویکرد روانشناسی اجتماعی پیشنهاد می گردد.

تشکر و قدردانی

از تمامی زنان متاهل ساکن شهر تهران که در این پژوهش شرکت کردند و ما را در انجام این مطالعه یاری کردند، کمال تشکر را داریم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

منابع

1. Aliakbari Dehkordi M. Relationship between women sexual function and marital adjustment. Journal of Behavioral Sciences.2010; 4 (3):199-206. [Persian]

2. Sprecher S. Equity and social exchange in dating couples: Associations with satisfaction. Journal of Marriage and Family. 2001; 63: 599-613.

3. Rosen R, Brown C, Heiman J, Leiblum S, Meston C, Shabsigh R, Ferguson D, D'agostino R. The female sexual function index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. Journal of Sex and Marital Therapy. 2000; 26: 191-208

4. Poyner-Del Vento PW, Cobb RJ. Chronic stress as a moderator of the association between depressive symptoms and marital satisfaction. Journal of Social and Clinical Psychology. 2011; 30(9):905-36.

5. AL-krenawi A. A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case. International journal of social psychiatry. 2012; 58 :79- 86.

6. Kołtuniuk A, Przestrzelska M, Karnas A, et al. The Association Between Sexual Disorders and the Quality of Life of Woman Patients with Multiple Sclerosis: Findings of a Prospective, Observational, and Cross-Sectional Survey. Sex Med. 2020; 8:297–306.

7. Slater C, Robinson AJ. Sexual health in adolescents. Clin Dermatol. 2014; 32(2):189-95.

8.Barghi Irani Z, Pirbayati Z, PirGholi F. The Role of self-esteem, perceived stress, alexithymia and cognitive avoidance predict sexual function was fertile and infertile women. Journal of Urmia nursing and midwifery faculty. 2017; 15 (91): 95 - 106.

9.Irandoust R, Sohrabi F, Maliholzakerini S, Ahi Gh. The Casual Model of Relationship between Alexithymia and Female Sexual Function by Mediating Rule of Psychological Distress and Marital Intimacy. Journal of Family Research. 2019;14(4): 515-531.

10. Stasiewicz P.R, Bradizza C.M, Gudleski G.D, Coffey S.F, Schlauch R.C, Bailey S.T, et al. The Relationship of alexithymia to emotional dysregulation within an alcohol dependent treatment sample. Addictive Behaviors. 2012; 37(4), 469-476.

11. Vanheule S, Desmet M, Rasel F, Verhagh F, & Meganck R. Alexithymia and interpersonal problems. Journal clinical psychology. 2006; 63(1): 109-117

12. Humphreys T. P, Wood L.M, & Parker J.D.A. Alexithymia and satisfaction in intimate relationships. Personality and Individual Differences. 2009; 46: 43-47.

13. Whestheimer R, Loparter S. Human sexuality: A Psychology Perspective, 2nd ed. Philadelphia Lippincott, Williams & Wilkins. 2005.

14. Andersen B & Cyranowski J.M."Women sexuality: behaviors, responses and individual difference". NIH public access. 2009; 63 (6): 891-906.

15. Zhang Y, Dong K, Guozhen Zhao G. The mediating role of social connectedness in the effect of positive personality, alexithymia and emotional granularity on life satisfaction: Analysis based on a structural equation model. Personality and Individual Differences. 2020.

16. Sharifain M, Saffarinia M, Alizadeh Fard S. Structural Model of Vaginismus Disorder based on Marital Adjustment, Sexual Self-Disclosure, Sexual Anxiety and Social Exchange Styles. Rph. 2019; 12 (4):48-65. [Persian]

17. Besharat M.A, Khajavi Z, Pourkhaghan F. The Role of Alexithymia Mediators in the Relationship between Attachment Styles and Sexual Function. The Development of Psychology.2012; 1: 51-64. [Persian]

18. Berenguer C, Catarina Rebôlo & Rui Miguel C. Interoceptive awareness, alexithymia, and sexual function, Journal of Sex & Marital Therapy. 2019: DOI: 10.1080/0092623X.2019.1610128.

19. Spellman F. The social exchange theory: We all weight out our options. Journal of Personality Assessment. 2013; 50: 18-23.

20. Leybman M, Zuroff D.C, Fournier M.A, Kelly A.C, Martin A. Social exchange styles: Measurement, validation, and application. Personality. 2011; 25(3):198-210.

21. Saffarinia M. The Investigation of Psychometric Characteristics of Social Exchange Styles Scale in Iranian Population. Journal of Industrial and Organizational Psychology Studies 2017; 4(1): 1-18. [Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

22. West R, Turner L. Introducing communication theory: Analysis and application. New York, NY: McGraw Hill. 2007.

23. Perry B.J. The relationship between equity and marital qualityamong Hispanics, African, Americans and Caucasians. Doctoral Dissertation. Ohio State University. 2004.

24. Rosenbaum T.Y. Applying theories of social exchange and symbolic interaction in the treatment of unconsummated marriage/ relationship', Sexual and Relationship Therapy. 2009; 24(1): 38 -46.

25. Kenrick DT1, Li NP, Butner J. Dynamical evolutionary psychology: Individual decision rules and emergent social norms. Psychol Rev. 2003; 110(1): 3–28.

26. Sánchez-Fuentes M. Santos-Iglesias P Sexual Satisfaction in Spanish Heterosexual Couples: Testing the Interpersonal Exchange Model of Sexual Satisfaction. Journal of Sex & Marital Therapy. 2016; 42(3): 223-242

27. Khojasteh Mehr R, Faramarzi S, Rajabi GH. The Role of Equity Perception in Marital Quality in Married Employees in Ahvaz Organizations. Journal of Psychological Studies. 2012; 8(1): 31-50. [Persian].

28. Cornwall A. Spending power: Love, money, and the reconfiguration of gender relations in Ado-Odo, southwestern Nigeria. American Ethnologist. 2014; 29(4): 963–980

29. Sharifian M, Saffarinia M, Alizadehfard S. The role of gender schemas by mediating fairness style in predicting sexual pain disorder: Study of structural equation model. Health Psychology. 2018; 7(27): 169-190. [Persian].

30. Nakonezny P. A, Denton W.H. Marital Relationships: A Social Exchange Theory Perspective. the American Journal of Family Therapy. 2008: 36(5): 402-412.

31. Stephenson K.R, Meston, C.M. The association between sexual costs and sexual satisfaction in women: An exploration of the Interpersonal Exchange Model of Sexual Satisfaction. The Canadian Journal of Human Sexuality. Toronto. 2011; 20(1/2): 31-40.

32.Saffarinia M, Sharifian M, Alizadehfard S. The Role of Social Exchange Theory in Predicting Unconsummated Marriage. Social Cognition. 2020, 10 (17): 29-46. [Persian]

33. Mardani Valandani Z, Saffarinia M, Alipour A, Agha Yosefi AR. Effectiveness of Cognitive S elfCompassion Training on S ocial exchange styles among Divorce Applicant Couples. J Res Behav Sci. 2020; 17(4): 667-683. [Persian]

34.Hope R. Addressing cross- generational sex: A desk review of research and programs. Washington, DC: Population Reference Bureau. 2014.

35.Wamoyi J, Fenwick A, Urassa M, Zaba B, Stones W. Women's bodies are shops": Beliefs about transactional sex and implications for understanding gender power and HIV prevention in Tanzania. Archives of Sexual Behavior. 2015; 40:5–15.

36. Baumeister R. F. Sexual Economics: Sex as Female Resource for Social Exchange in Heterosexual Interactions. Personality and Social Psychology Review. 2014; 8 (4): 339–363.

37. Castellanos-Torres E, ´ Alvarez-Dardet C, Ruiz-Mu˜ noz D, erez G. Social determinants of sexual satisfaction in Spain considered from the gender perspective. Annals of Epidemiology. 2013; 23: 150–156.

38. Thibaut JW, Kelley HH. The social psychology of groups. Oxford, England: John Wiley. 1959.

39. Aliakbari Dehkordi M, Heydarinasab L, Ghobadi Sh. Surveying the relation between sexual performance and marital compatibility in married women. Clinical Psychology & Personality. 2013; 2(8):87- 98. [Persian]

40. Ornat L, Martínez-Dearth R, Muñoz A, Franco P, Alonso B, Tajada M, et al. Sexual function, satisfaction with life and menopausal symptoms in middle-aged women. Maturitas. 2013; 75(3): 261-9.

41. McCabe M.P, Goldhammer D.L. Demographic and Psychological Factors Related to Sexual Desire among Heterosexual Women in a Relationship. Journal of Sex Research. 2012;78-87.

42. Basson R. Women sexual dysfunction: Revised and expanded definitions. Synthesis. 2005; 172(10):1327-33.

43. Kline R.B. Principles and practice of structural equation modeling 4nd edition guilford press. New York. 2016.

44.Bagby RM, Taylor G, Parker J. The twenty-item Toronto Alexithymia scale—II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. Journal of Psychosomatic Research. 1994; 38(1):33-40.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

45. Besharat M.A. Psychometric properties of Farsi version of Emotional Intelligence Scale-41 (FEIS-41). Personality and Individual Differences. 2007; 43: 991-1000. [Persian]

46. Saffarinia M. Social psychology and personality tests. Arjmand Publication, Tehran. 2015. [Persian]

47. Mohammadi kh, Heydari M, Faghihzadeh S. The female sexual function index (fsfi): validation of the iranian version. Payesh. 2008; 7:269-78. [Persian]

48. Kathryn D, Timmerman L. Accomplishing romantic relationship. In J. O. Greene & B. R. Burleson (Eds.), Handbook of Communication and Social Interaction SkillsMahwah: Lawrence Erlbaum Associates. 2003; 685-690.

49. Sangkyu H, Heuikwang S. Korean pastors and their wife's marital satisfaction and its predicting factors. J Pastoral Psycol. 2012; 59 (4): 495-512.

50. Jonason P. K, Lyons M, Bethell E, Ross R. Different routes to limited empathy in the sexes: Examining the links between the Dark Triad and empathy. Pers Individual Dif.2013; 57(5): 572-576.

51. Spitzer C, Siebel-Jürges U, Barnow S, Grabe H.J, Freyberger H.J. Alexithymia and interpersonal problems. Psychotherapy and Psychosomatics. 2005; 74(4): 240-246.

52. Simpson J. Psychological foundations of trust". Current Directions in Psychological Science. 2009; 16: 261–268

53. Asoodeh M.H, Khalili S, Daneshpour M. Lavasani M.G. Factors of successful marriage: Accounts from self-described happy couples. Procedia Social and Behavioral Sciences. 2010; 5: 2042–2046.

54. Norris S.L, Zweigenhaft R.L. Self- monitoring, trust and commitment in romantic relationship". Journal of social psychology. 2009; 139: 215-221.

55. Kogan A, Impett E.A, Oveis CH, Hui B, Gordon A.M, Keltner, D. When giving feels good: The intrinsic benefits of sacrifice in romantic relationships for the communally motivated. Psychological Science. 2010; 21(12): 1918-1924. [Persian]

56. Saarijarvi S, Salminen JK, Toikka T. Temporal Stability of alexithymia over a five-year period in Outpatients with Major Depression. Psychother Psychosom. 2006; 75(2): 107-112.

57. Rachman S. Emotional processing. Behavior Research and Therapy. 1980; 18: 51-60.

58. Calvete E, Orue I, Hankin B.L. Early maladaptive schemas and social anxiety in adolescents: The mediating role of anxious automatic thoughts. Journal of Anxiety Disorders. 2013; 27(3): 278-288.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]